جام جم
ورزش ۷
SPORT
پنجشنبه ۲۵ تیر ۱۴۰۵ شماره ۷۳۶۹

اسپانیا به کابوس همیشگی دشان تبدیل شد



شکست ۲ بر صفر فرانسه برابر اسپانیا در نیمه‌نهایی جام جهانی ۲۰۲۶، یک آمار ناامیدکننده دیگر را برای دیدیه دشان ثبت کرد. سرمربی فرانسه تاکنون در هشت تقابل با اسپانیا، پنج شکست، دو پیروزی و یک تساوی به دست آورده و هیچ تیم ملی دیگری به اندازه لاروخا او را شکست نداده است. اسپانیا همچنین برای سومین تورنمنت بزرگ متوالی، پس از یورو ۲۰۲۴ و لیگ ملت‌های ۲۰۲۵، در مرحله نیمه‌نهایی فرانسه تحت هدایت دشان را حذف کرد. دشان از سال ۲۰۱۲ هدایت خروس‌ها را برعهده دارد و احتمالا با پایان جام از سمت خود کنار می‌رود.

چرکی: اسپانیا در همه چیز از ما بهتر بود



رایان چرکی، هافبک هجومی تیم ملی فرانسه، پس از شکست ۲ بر صفر برابر اسپانیا در نیمه‌نهایی جام جهانی ۲۰۲۶، برتری کامل حریف را پذیرفت. او گفت اسپانیایی‌ها در تمام جنبه‌های بازی بهتر بودند و انگیزه بیشتری برای پیروزی داشتند. چرکی با وجود اعتقاد به کیفیت بالاتر فرانسه، تاکید کرد تیمش در این مسابقه مغلوب نمایش برتر اسپانیا شد و شاید نتوانسته احساسات خود را کنترل کند.



بود. رایان چرکی پس از مسابقه اعتراف کرد: «ما مقابل خودمان شکست خوردیم.» او حتی گفت شاید آسان بودن مسیر فرانسه در مسابقات باعث شده بود بازیکنان تصور کنند از همه تیم‌ها برتر هستند.

دریافت گل نخست نیز شرایط را پیچیده‌تر کرد. برخلاف فینال جام جهانی قطر که فرانسه مقابل آرژانتین از شکست ۲ بر صفر بازگشت، این بار هیچ واکنشی از شاگردان دشان دیده نشد. هرچه مسابقه جلوتر رفت، فرانسه آشفته‌تر شد؛ پاس‌های اشتباه، تصمیم‌های عجولانه و ناتوانی در خلق موقعیت، تصویری کاملا متفاوت از تیمی بود که تا پیش از این یکی از جذاب‌ترین تیم‌های جام به شمار می‌رفت. در دقایق پایانی، اسپانیا با پاسکاری‌های متوالی و شنیده شدن فریاد «اُله» از سکوها، عملا با حریفش بازی می‌کرد؛ صحنه‌ای که بیش از هر چیز نشان‌دهنده اختلاف کیفیت دو تیم در آن شب بود.

یک پیروزی فراتر از نتیجه

شکست فرانسه فقط به دلیل اشتباهات این تیم نبود؛ بخش بزرگی از این ناکامی، نتیجه فوتبال کامل اسپانیا بود. تیمی که در مالکیت توپ آرامش دارد، هنگام از دست دادن توپ بلافاصله پرس می‌کند، در دفاع چندین آرایش مختلف را اجرا می‌کند، در نبردهای فیزیکی برنده می‌شود و در عین حال از کیفیت فنی بالایی برخوردار است.

دلافوئنته بیش از یک دهه با تیم‌های پایه اسپانیا کار کرده و بسیاری از بازیکنان فعلی را از رده‌های نوجوانان و جوانان می‌شناسد. همین شناخت عمیق باعث شده انسجام تیمی، بزرگ‌ترین نقطه قوت اسپانیا باشد؛ تیمی که شاید ستاره‌های بزرگی داشته باشد، اما قدرت واقعی‌اش در هماهنگی جمعی نهفته است.

نیمه‌نهایی جام جهانی ۲۰۲۶ ثابت کرد که اسپانیا فقط با استعداد فردی یا مالکیت توپ به فینال نرسیده است. این تیم با ترکیبی از نظم تاکتیکی، پرس بی‌وقفه، انعطاف دفاعی، برتری فیزیکی و انسجام مثال‌زدنی، فرانسه را در تمام ابعاد فوتبال شکست داد. از سوی دیگر، خروس‌ها نه‌تنها در اجرای برنامه‌های تاکتیکی خود ناکام ماندند، بلکه از نظر ذهنی و روانی نیز خیلی زود از مسابقه خارج شدند. نتیجه، یکی از کامل‌ترین نمایش‌های اسپانیا در سال‌های اخیر و یکی از تلخ‌ترین شکست‌های دوران دیدیه دشان بود؛ شکستی که پایان رؤیای قهرمانی فرانسه و آغاز رؤیای فتح دوباره جهان برای لاروخا شد.

رکورد جدید ماتادورها

تیم ملی فوتبال اسپانیا با پیروزی مقابل فرانسه و صعود به دیدار نهایی به نخستین کشور اروپایی تبدیل شد که در تورنمنت‌های بزرگ، ۸ بازی متوالی را در مراحل حذفی با پیروزی پشت سر می‌گذارد. ماتادورها که ۴ بازی حذفی یورو ۲۰۲۴ را برده بودند، با پیروزی در هر ۴ بازی مرحله حذفی جام جهانی ۲۰۲۶، حالا این رکورد را به عدد ۸ رساندند و رکورد ۷ پیروزی پیاپی ایتالیا (بین سال‌های ۱۹۳۴ تا ۱۹۳۸) و همچنین رکورد پیشین خودشان (بین سال‌های ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۲) را شکستند. ۸ برد متوالی اسپانیا در مراحل حذفی تورنمنت‌های بزرگ، در زیر آمده است:

اسپانیا ۴ ..... گرجستان ۱ (یک هشتم یورو ۲۰۲۴)
اسپانیا ۲ ..... آلمان ۱ (یک چهارم یورو ۲۰۲۴)
اسپانیا ۲ ..... فرانسه ۱ (نیمه نهایی یورو ۲۰۲۴)
اسپانیا ۲ ..... انگلستان ۱ (فینال یورو ۲۰۲۴)
اسپانیا ۳ ..... اتریش ۰ (یک شانزدهم جام جهانی ۲۰۲۶)
اسپانیا ۱ ..... پرتغال ۰ (یک هشتم جام جهانی ۲۰۲۶)
اسپانیا ۲ ..... بلژیک ۱ (یک چهارم جام جهانی ۲۰۲۶)
اسپانیا ۲ ..... فرانسه ۰ (نیمه نهایی جام جهانی ۲۰۲۶)

همچنین پیروزی مقابل فرانسه، تعداد بازی‌های متوالی بدون شکست لاروخا را به ۳۷ رساند تا شاگردان لوئیس دلافوئنته با رکورد تیم ملی ایتالیا برابر شوند. ایتالیا بین سال‌های ۲۰۱۸ تا ۲۰۲۱ در ۳۷ مسابقه متوالی شکست نخورد و ۵ سال به‌تنهایی صاحب این رکورد بود. اسپانیا حالا این فرصت را دارد که در فینال جام جهانی، رکورد را به‌صورت کامل در اختیار بگیرد. آخرین شکست اسپانیا به مارس ۲۰۲۴ بازمی‌گردد؛ زمانی که این تیم در دیداری دوستانه با نتیجه یک بر صفر برابر کلمبیا مغلوب شد. روند شکست‌ناپذیری لاروخا چهار روز بعد با تساوی ۳ بر ۳ مقابل برزیل آغاز شد. اسپانیا در این ۳۷ مسابقه، ۲۸ پیروزی و ۹ تساوی به دست آورده و ۹۴ گل زده است. این تیم در همین بازه ۲۸ گل دریافت کرده و پیروزی ۶ بر صفر برابر ترکیه، بزرگ‌ترین بردش در این دوران محسوب می‌شود. لاروخا در جام جهانی ۲۰۲۶ نیز عملکردی کم‌نقص داشته است. این تیم پس از تساوی بدون گل برابر کیپ‌ورد در نخستین مسابقه، عربستان سعودی، اروگوئه، اتریش و پرتغال را بدون دریافت گل شکست داد و پس از عبور از بلژیک، فرانسه را نیز در نیمه‌نهایی کنار زد. اسپانیا تاکنون در این تورنمنت ۱۳ گل به ثمر رسانده و فقط یک گل دریافت کرده است؛ آماری که قدرت همزمان خط حمله و ساختار دفاعی این تیم را نشان می‌دهد. فینال جام جهانی ۲۰۲۶ برای اسپانیا فقط فرصتی برای کسب دومین قهرمانی جهان نیست؛ لاروخا می‌تواند با پیروزی یا حتی تساوی در زمان قانونی، به‌تنهایی رکورددار طولانی‌ترین روند بدون شکست در تاریخ فوتبال ملی شود.

تحلیل جزئی بازی جذاب نیمه‌نهایی جام جهانی با پیروز قربانی

این اسپانیا قهرمان جهان است



سعید اکبری
گروه ورزش

می‌خواهید حرف فنی بزنید؟ سر وقت پیروز قربانی بروید. مربی جوان و دوست داشتنی فوتبال ایران. کسی که به تازگی از فجرسپاسی جدا شده است. قربانی را از نسل مربیان جوان و خوب فوتبال می‌دانند. او وقتی درباره فوتبال حرف می‌زند، فقط گوش می‌دهید. چیزهایی از دل بازی می‌گوید که شاید کمتر شنیده‌اید. به همین بهانه سر وقتش رفتیم تا درباره جدال زیبای فرانسه و اسپانیا گفت‌وگو کنیم.

آقا پیروز شما فنی عالی حرف می‌زنید و البته گاهی هم جنجالی! برای ما بازی فرانسه و اسپانیا را تحلیل کن...

آقای دلافوئنته. دو هیچ که نه، از نظر من سه هیچ. وای عجب مسابقه‌ای. برنده این بازی دلافوئنته بود. نبرد مربیان را او برد. مچ دیدیه دشان را خواباند. رابطه‌ای بین هافبک و فوروارد فرانسه دیدید؟ با پرسی عجیب، فلج‌شان کردند. خیلی مسابقه عجیب و غریبی بود. این اسپانیا که من دیدم قهرمان می‌شود.

پس این تحلیل خلاصه‌تان از بازی است.

من رقابت را رقابت مربیان می‌دیدم تا تیم‌ها. جنگ تاکتیک‌ها بود. بخواهم جزئی‌تر بگویم، اسپانیا تمرکزش را روی قطع رابطه هافبک‌ها با امباپه، دمبله و بارکولا گذاشت. اولیسه هم نتوانست پاس خوبی به مهاجم‌ها برساند. یک توپ سالم رسید؟ چرا؟ چون اسپانیا از جلو پرس می‌کرد. شوامنی و ربیو اصلا نتوانستند توپ سالم برسانند. اولیسه و امباپه مجبور شدند به عقب بیایند و توپ بگیرند. به خاطر همین از باکس حریف کاملا دور بودند. اگر دقت کرده باشی، امباپه بیشتر گل‌هایش را از منطقه ۱۸ به ثمر می‌رساند ولی در این مسابقه حتی یک موقعیت از آن منطقه نداشت. مجبور می‌شد به عقب بیاید. اسپانیا بالا دفاع می‌کرد؛ مخصوصا هافبک‌های فرانسه را به شدت پرس کردند. این باعث می‌شد توپی که به امباپه و دمبله برسد، توپ بلند باشد. ضربه اول را هم چه کسانی می‌زدند؟ بازیکنان اسپانیا. آنها با پوشش مناسب، کلا بازیکنان فرانسه را از بازی خارج کردند. کوبارسی و لاپورت هم بالا بازی می‌کردند. من اصلا یادم نمی‌آید که دمبله و امباپه اینطور اسیر شده باشند. باید از سرمربی اسپانیا تمجید کنید. فوق‌العاده بود. بازی‌های قبلی من اثربخشی بازیکنان را در برد خیلی پررنگ‌تر دیدم ولی این بار به نظرم تفکرات کادر فنی اسپانیا برنده مسابقه بود.

به عنوان یک بیننده در خیلی از زمان‌های بازی تصور می‌کردیم اسپانیا دو بازیکن بیشتر دارد. این چطور اتفاق افتاد؟

به خاطر ساختار درست بود. منطقه‌ای، توپ را کاملا آورلود می‌کردند. (برتری نفری در نواحی مختلف زمین). با توجه به کیفیت بازیکنان فرانسه هم نقشه‌شان را اجرا می‌کردند. مناطق مختلف را آورلود می‌کردند تا برتری کیفیتی را از بین ببرند. مثلا وقتی کیلیان امباپه صاحب توپ می‌شد، دو و حتی سه نفر او را محاصره می‌کردند. اگر از نفر اول هم رد می‌شد، نفر دوم توپ را می‌گرفت. این اتفاق دقیقا برای اولیسه و دمبله هم می‌افتاد. اولیسه چند بار توپ را به خاطر همین آورلود از دست داد؟ بازیکنان اسپانیا مثل ساعت کار می‌کردند و حتی یک اشتباه هم نداشتند. مناطق مختلف را با پرس و تله‌ای که گذاشتند، تصاحب کردند. خیلی عجیب بود که اسپانیا عقب ننشست. حالا یکسری دقایق دفاع کرد ولی بالا دفاع می‌کرد طوری که مهاجم‌های فرانسه مجبور بودند عقب بیایند. همین اتفاق باعث شد در نیمه اول به خاطر اشتباه دینیه که آگاهی محیطی نداشت، پنالتی بگیرند. بازی جوری پیش رفت که اسپانیا می‌خواست. این پنالتی هم خیلی روی سر و شکل بازی اثر گذاشت.

می‌شود گفت این مسابقه فنی‌ترین بازی جام بود؟

شاید برای عامه، بازی‌های دیگری بود که جذابیت بیشتری داشت ولی از نظر کارشناسی فوتبال، به نظرم این جذاب‌ترین بازی بود چون جنگ تاکتیک‌ها را داشتیم. بازی کاملا فنی بود. می‌شد ببینی که مربیان دارند با هم بازی می‌کنند. خیلی وقت‌ها دوربین روی صورت دشان می‌رفت می‌دیدیم که چقدر دچار استیصال شده. سرش را تکان می‌داد. به نظرم این بازی یک شطرنج تاکتیکی بود. اگر نگوییم فنی‌ترین بازی، اما یکی از فنی‌ترین مسابقات این دوره از مسابقات بود.

شاید هم بتوان گفت یکی از یک طرفه‌ترین بازی‌های تاریخ جام جهانی.

دو نکته بگویم. خیلی‌ها فکر می‌کنند اسپانیا به فرانسه غالب بود. تماشاگران عادی فکر می‌کنند وقتی توپ داشته باشی، یعنی غالب هستی ولی در فوتبال مدرن یک مورد جالب وجود دارد؛ می‌توانی توپ را به حریف بدهی و غالب بازی باشی. روشن‌تر توضیح بدهم تا متوجه شوید. اسپانیا وقتی توپ نداشت، به طور کامل حملات فرانسه را پیش‌بینی می‌کرد. چطور؟ با ساختار دفاعی. با تشکیل خط دفاع از بالا. با پرس از جلو. کاملا مشخص بود که فرانسه توپ را دارد ولی نمی‌تواند حمله کند. از آن طرف، وقتی توپ را می‌گرفت - این نکته‌ای بود که هیچ تیمی در این جام نداشت - با توپ دفاع می‌کرد. حتما گیج شده‌اید. این یک حربه فوق‌العاده است. شما می‌تونید با حفظ توپ، به حریف موقعیت ندهید و کانتر پرس حریف را بشکنید. به نظرم بهترین و شایسته‌ترین تیم جهان در حفظ توپ با اختلاف اسپانیاست. حتی اجازه نداد کانترپرس (پرس بازپس‌گیری سریع توپ) فرانسه شکل بگیرد. من این حفظ توپ را در هیچ تیمی در دنیا ندیده‌ام. این هم مشتقی از بازی بارسلوناست. دلافوئنته توانست این سبک را جا بیاندازد، مخصوصا بازی حضور بازیکنانی چون رودری و اولمو. اینها کننده کار هستند. حالا بگذارید شفاف‌تر بگویم داستان چیست. شما با حفظ توپ، حریف را بیشتر می‌دوانی، آنها را خسته می‌کنی، در عین حال خودتان استراحت می‌کنید. این کار باعث می‌شود تا حریف را به لحاظ روحی و روانی هم خسته کنید. فکر می‌کنید چرا امباپه، اونای سیمون گلر اسپانیا رازد؟ چون از نظر روانی خسته شده بود که از کوره در رفت.





از عینک آفتابی مارادونا تا جوراب‌های تونی کروس

سفری به عجیب‌ترین گنجینه فوتبالی جهان



کفش‌های نایکی، آدیداس، پوما و آمبرو که روزگاری بر پای بزرگ‌ترین فوتبالیست‌های دنیا بوده‌اند، نخستین چیزی است که نگاه را می‌رباید. کمی آن‌طرف‌تر، قفسه‌هایی عظیم قرار دارد که روی‌شان نام‌هایی دیده می‌شود که هر هوادار فوتبال را به وجد می‌آورد؛ پله، مارادونا، لوکا مودریچ، آندرس اینیستا، لامینه یامال، تونی کروس و ده‌ها ستاره دیگر.

شاید عجیب‌ترین ویژگی این مجموعه، ارزش مالی آن نباشد بلکه داستان‌هایی باشد که پشت هر شی پنهان شده است. برای بوستامانته، یک پیراهن فقط پارچه‌ای با چند رنگ نیست. او می‌گوید: «تمام خاطرات یک مسابقه داخل همان تکه پارچه زندگی می‌کند. این‌که بازیکن گل زده یا نه، خوب بازی کرده یا بد، قهرمان شده یا شکست خورده. همه آن احساسات در همان پیراهن باقی می‌ماند».

شاید به همین دلیل است که حتی لکه‌های چمن روی جوراب‌های تونی کروس را هم پاک نکرده. این جوراب‌ها متعلق به آخرین بازی کروس در لالیگا با پیراهن رئال مادرید هستند و هنوز آثار زمین مسابقه روی آنها دیده می‌شود. بوستامانته با هیجان از بازدیدکنندگان می‌خواهد تصاویر همان مسابقه را ببینند تا مطمئن شوند این لکه‌ها دقیقا متعلق به همان شب هستند. او حتی دمپایی‌های دوران حضور کروس در رئال مادرید را هم نگه داشته است.

اما اتاق مارادونا حال و هوای دیگری دارد. سیگار نیمه‌کشیده، عینک آفتابی، ساعت‌های رولکسی که مارادونا به بازیکنان دوردوس هدیه داده بود و ده‌ها یادگار دیگر فضایی ساخته‌اند که بیشتر به زیارتگاه شباهت دارد تا ویترین یک موزه. مارادونا البته تنها اسطوره این مجموعه نیست. گوشه‌ای دیگر به پله اختصاص دارد و در قفسه‌های مختلف می‌توان ردپای نسل‌های گوناگون فوتبال را دید؛ از آلفردو دی استفانو و فرانس پوشکاش گرفته تا ستاره‌های امروز. حتی نامه‌ای رسمی از ژائو هاولانژ رئیس وقت فیفا نیز در این گنجینه وجود دارد؛ سندی تاریخی از سال ۱۹۸۶ که در آن از انتقال ۲۵ هزار دلار به جک وارنر برای حل مشکلات مالی فدراسیون فوتبال ترینیداد و توباگو سخن گفته شده است.

علاقه‌ای با قدمت پنج دهه

علاقه بوستامانته به جمع‌آوری این یادگارها از هشت سالگی آغاز شد. او در شهر تامپیکو زندگی می‌کرد و برای این‌که بتواند پیراهن بازیکنان تیم محلی را به‌دست بیاورد، خودروهای آنها را می‌شست. بعدها دیگر پیراهن بازیکنان شهر خودش برایش کافی نبود. از آنها خواست پیراهن‌هایی را که پس از مسابقه با بازیکنان تیم‌های بزرگ‌تر تعویض می‌کنند برایش بیاورند.

وقتی در ۱۸ سالگی راهی مونتری شد، بیش از ۵۰۰ یادگار در خانه مادرش جمع کرده بود. بعد از آن زندگی مسیر دیگری پیدا کرد؛ مهندس مخابرات شد، ازدواج کرد و صاحب فرزند شد اما هیچ‌وقت رویای کودکی‌اش را کنار نگذاشت.

در سکوت، شبکه‌ای از دوستان، فوتبالیست‌ها، مدیران باشگاه‌ها و مجموعه‌داران را در سراسر دنیا شکل داد تا بتواند تاریخ فوتبال را تکه‌تکه کنار هم بچیند. امروز تنها ۵ درصد مجموعه او از طریق حراجی‌ها خریداری شده است. تقریبا همه چیز از طریق روابط شخصی و اعتماد فوتبالی‌ها به‌دست آمده است.

یکی از عجیب‌ترین بخش‌های این گنجینه، ۱۲ جفت پیراهن تعویض شده است؛ پیراهن‌هایی که دو بازیکن پس از مسابقه با یکدیگر عوض کرده‌اند اما بوستامانته هر کدام از دو نیمه این داستان را سال‌ها بعد و از دو مسیر کاملا متفاوت پیدا کرده و دوباره کنار هم قرار داده است. این وسواس در حفظ جزئیات، در تمام مجموعه دیده می‌شود. او علاقه‌ای به جمع‌آوری امضا ندارد، مگر این‌که متعلق به بزرگ‌ترین اسطوره‌ها باشد. حتی وقتی دوستانش از او بازدید می‌کنند، اجازه می‌دهد اشیای داخل مجموعه را لمس کنند، بپوشند و از نزدیک ببینند. از نگاه او این آثار نباید فقط در قفسه‌ها خاک بخورند. باید روایتگر تاریخ باشند. شاید مهم‌ترین جمله‌ای که بوستامانته درباره خودش می‌گوید این باشد: «بزرگ‌ترین علاقه من تعریف کردن داستان‌های فوتبال است». او معتقد است نسل جدید باید اسطوره‌هایی مانند دی استفانو، پوشکاش و جورج بست را بشناسد. نه فقط از طریق کتاب‌ها بلکه با دیدن یادگارهایی که روزی بخشی از زندگی آنها بوده‌اند. دوستانش گاهی با خنده می‌گویند همه اینها چیزی جز چند تکه پارچه قدیمی نیست اما او پاسخ ساده‌ای دارد: «یکی گلف بازی می‌کند و دیگری برای قمار به لاس‌وگاس می‌رود. هر کسی سرگرمی خودش را دارد» با این حال، ارزشمندترین خاطره زندگی کلکسیونی او نه پیدا کردن سیگار مارادونا بود و نه به‌دست آوردن پیراهن‌های کمیاب. او می‌گوید بهترین لحظه عمرش زمانی بود که وارد خانه لوتار ماتئوس در مونیخ شد و توانست توپ طلای سال ۱۹۹۰ او را با دستان خودش لمس کند. از او پرسیدند چرا از ماتئوس نخواست آن توپ طلا را هم به مجموعه‌اش اضافه کند، پاسخش کوتاه اما پرمعنا بود: «هرگز. بعضی چیزها برای تماشا کردن هستند، نه برای مالک شدن». شاید همین جمله، راز واقعی گنجینه بوستامانته باشد؛ مجموعه‌ای که نه بر پایه مالکیت بلکه بر پایه احترام به تاریخ فوتبال ساخته شده است.

نسل جدید رتبه‌بندی تیم‌های ملی فوتبال

فراتر از رنکینگ فیفا



رضا سجادیان
گروه ورزش

تا همین چند سال پیش، هر زمان صحبت از قدرت تیم‌های ملی فوتبال به میان می‌آمد، همه نگاه‌ها به رنکینگ فیفا دوخته می‌شد؛ جدولی که جایگاه رسمی تیم‌ها را مشخص می‌کند و مبنای سیدبندی بسیاری از مسابقات بین‌المللی است. اما فوتبال مدرن دیگر فقط با نتایج روی تابلوی ورزشگاه تحلیل نمی‌شود. امروز شرکت‌های بزرگ تحلیل داده، مراکز پژوهشی و حتی باشگاه‌های حرفه‌ای جهان از مدل‌های آماری پیشرفته و هوش مصنوعی برای سنجش قدرت واقعی تیم‌ها استفاده می‌کنند؛ مدل‌هایی که گاهی تصویری کاملا متفاوت از جدول رسمی فیفا ارائه می‌دهند. این تحول، نشانه ورود فوتبال به عصری است که در آن داده‌ها، به اندازه گل‌ها اهمیت پیدا کرده‌اند. فوتبال در دهه اخیر بیش از هر زمان دیگری با علم داده پیوند خورده است. اگر در گذشته عملکرد یک تیم با تعداد بردها، گل‌های زده یا جام‌های قهرمانی سنجیده می‌شد، امروز هزاران داده از هر مسابقه جمع‌آوری و تحلیل می‌شود؛ از محل دقیق هر پاس و شوت گرفته تا سرعت بازیکنان، کیفیت پرسینگ، میزان موفقیت در بازپس‌گیری توپ و حتی الگوهای حرکتی بازیکنان بدون توپ. این اطلاعات، تصویری دقیق‌تر از کیفیت واقعی تیم‌ها ارائه می‌کنند؛ تصویری که گاه با نتایج مسابقات تفاوت دارد.

رنکینگ فیفا؛ معتبر اما نه بی‌نقص

رنکینگ فیفا همچنان تنها نظام رسمی رتبه‌بندی تیم‌های ملی در جهان فوتبال است و نقش مهمی در سیدبندی رقابت‌های بین‌المللی دارد. این رده‌بندی از سال ۲۰۱۸ بر پایه نسخه اصلاح‌شده الگوریتم «الو» محاسبه می‌شود؛ الگوریتمی که قدرت نسبی تیم‌ها را پس از هر مسابقه به‌روزرسانی می‌کند. در این سیستم، نتیجه بازی، اهمیت مسابقه، قدرت حریف و انتظار آماری از نتیجه در محاسبه امتیازها اثرگذار است. به همین دلیل، پیروزی مقابل یک تیم قدرتمند در جام جهانی ارزش بسیار بیشتری نسبت به برد برابر تیمی ضعیف در یک دیدار دوستانه دارد. این تغییر نسبت به شیوه قدیمی فیفا، گام مهمی رو به جلو بود، اما همچنان یک پرسش اساسی باقی ماند؛ آیا نتیجه مسابقه، همیشه بهترین معیار برای سنجش کیفیت یک تیم است؟

آینده رتبه‌بندی فوتبال

کارشناسان معتقدند نسل آینده رتبه‌بندی‌ها، ترکیبی از نتایج مسابقات، شاخص‌های عملکردی، داده‌های فنی، اطلاعات پزشکی، تحلیل ویدئویی و الگوریتم‌های یادگیری ماشین خواهد بود. به بیان دیگر، رتبه هر تیم تنها بر اساس برد و باخت تعیین نمی‌شود، بلکه کیفیت بازی، روند پیشرفت، ثبات عملکرد و حتی شرایط جسمانی بازیکنان نیز در آن نقش خواهد داشت. شاید در آینده نزدیک، فناوری بتواند احتمال موفقیت هر تیم را با دقتی بسیار بیشتر از امروز برآورد کند، اما حتی پیشرفته‌ترین مدل‌های آماری نیز نمی‌توانند روح فوتبال را از بین ببرند؛ همان لحظه‌ای که یک ضربه ایستگاهی، یک تصمیم جسورانه یا درخشش غیرمنتظره یک بازیکن، همه پیش‌بینی‌ها را تغییر می‌دهد. رنکینگ فیفا همچنان معتبرترین مرجع رسمی رتبه‌بندی تیم‌های ملی است و نقش مهمی در ساختار رقابت‌های بین‌المللی دارد، اما فوتبال امروز دیگر تنها با جدول امتیازات تعریف نمی‌شود. علم داده، هوش مصنوعی و مدل‌های آماری پیشرفته، نگاه تازه‌ای به این ورزش بخشیده و نشان داده‌اند که میان «نتیجه» و «کیفیت» همیشه رابطه‌ای مستقیم وجود ندارد.

متن کامل را در جام جم آنلاین بخوانید